

کتاب دانیال - شماره صد و پنجاه و شش

رازگشایی از آخرین رؤیای دانیال: نگاهی میلری به حقایق نبوتی برای امروز

Jeff Pippenger

2024-03-24

ما بررسی آخرین رؤیای دانیال را با به کارگیری اصلی که با آلفا و امگا نمایانده می شود آغاز می کنیم؛ اصلی که نشان می دهد او همواره پایان را با آغاز مشخص می کند. پس بلطشاصر، که در نخستین آیه از آخرین رؤیای دانیال همان دانیال است، در بخش پایانی همان رؤیا نیز نمایانده می شود. دریافته ایم که بلطشاصر نماینده قوم عهد خدا در ایام آخر است؛ کسانی که «chazon»، یعنی رؤیای تاریخ نبوی، را که در آیه اول با واژه «thing» نشان داده شده، درک می کنند. آن رؤیای تاریخ نبوی همان «هفت زمان» لایوان بیست و شش است که برابر با دو هزار و پانصد و بیست سال می شود. بلطشاصر همچنین «vision» در آیه اول را می فهمد که همان رؤیای «mareh» دو هزار و سیصد ساله است و نمایانگر ظهور ناگهانی مسیح می باشد.

در باب دوازدهم، دانیال نمایانگر جنبش فرشته اول و نیز جنبش فرشته سوم است، زیرا هر دو جنبش مثل ده باکره را تحقق می بخشند. در باب دوازدهم دست کم پنج حقیقت وجود دارد که بخشی از جنبش میلری بودند و نمایانگر حقایقی هستند که جنبش فرشته سوم نیز باید آن ها را تجربه و درک کند. هر دو جنبش مثل ده باکره را به انجام می رسانند، و باکره های دانای هر دو جنبش باید آن واقعیت نبوی را درک کنند. هر دو جنبش باید نخستین حقیقت نبوی را که میلر به شناخت آن هدایت شد، همان گونه که با عبارت «هفت بار» در لایوان باب بیست و شش نشان داده شده است، بفهمند. سه تجربه و فهم موازی دیگر در چند آیه پایانی این باب یافت می شود.

و از زمانی که قربانی روزانه برچیده شود و رجاست ویرانگر برپا گردد، هزار و دویست و نود روز خواهد بود. خوشا به حال کسی که منتظر بماند و به هزار و سیصد و سی و پنج روز برسد. اما تو تا پایان راه خود را برو، زیرا خواهی آرمید و در سهم خود در پایان روزها قرار خواهی گرفت. دانیال ۱۲: ۱۱-۱۳.

قوم باقیمانده خدا در کتاب مکاشفه سه ویژگی اصلی نبوی دارند. آنان فرامین خدا را نگاه می دارند، ایمان عیسی را دارند و روح نبوت را پاس می دارند.

و به من گفت: بنویس: خوشا به حال آنان که به ضیافت عروسی بره دعوت شده اند. و باز به من گفت: اینها سخنان راستین خداست. آنگاه بر پاهایش افتادم تا او را پرستش کنم. اما به من گفت: مبادا چنین کنی! من هم خدمت تو و از برادران تو هستم که شهادت عیسی را دارند. خدا را پرست، زیرا شهادت عیسی روح نبوت است. مکاشفه ۱۹: ۹-۱۰.

میلریتی ها به درستی فهمیدند که «روزانه» در کتاب دانیال نمایانگر بت پرستی است و اینکه زمان برداشته شدن روزانه «سال ۵۰۸ بود. رد کردن آن حقیقت به معنای رد کردن مرجعیت «شهادت عیسی» است که «روح نبوت» است، زیرا روح نبوت به روشنی تصدیق می کند که میلریتی ها در درک خود از «روزانه» درست بودند.

«سپس دیدم که در ارتباط با «دائمی»، واژه «قربانی» به واسطه خرد انسانی افزوده شده و به متن تعلق ندارد؛ و اینکه خداوند دیدگاه درست آن را به کسانی عطا کرد که فریاد ساعت داوری را سر دادند. زمانی که اتحاد وجود داشت، پیش از ۱۸۴۴، تقریباً همه درباره دیدگاه درست «دائمی» هم نظر بودند؛ اما از ۱۸۴۴ به بعد، در میان آشفتگی، دیدگاه های دیگری پذیرفته شده و تاریکی و

سردرگمی در پی آمده است.» ریویو و هرالد، ۱ نوامبر ۱۸۵۰.

پیروان میلر درک کرده بودند که مقاومت بت‌پرستی در برابر به قدرت رسیدن دستگاه پاپی در سال ۵۳۸، در سال ۵۰۸ از میان برداشته شد. پیروان میلر درست می‌گفتند، اما درکشان محدود بود. قوم خدا در روزهای آخر، که در آیه یک با «بلطشصر» نمایندگی می‌شوند، خواهند دید که فاصله سال‌های ۵۰۸ تا ۵۳۸ دوره‌ای نبوی را نشان می‌دهد که نمونه آن سی سال آمادگی در تاریخ مسیح بود که پیش از اقتدار یافتن او در هنگام تعمیدش قرار داشت. آنان خواهند دید که این دوره نبوی همچنین نمایانگر دوره نبوی از ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸ است، و این که هر سه آن دوره‌ها نمایانگر زمان مهر خوردن یکصد و چهل و چهار هزار نفر است که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد و در قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد، به پایان می‌رسد.

در فصل دوازدهم، دانیال نماینده پیروان میلر و پنج حقیقت و تجربه مهمی است که قرار است در کسانی که نماینده‌شان بلطشصر است تکرار شود. سومین حقیقت و تجربه پیروان میلر «دیدگاه صحیح درباره 'روزانه'، ... خداوند آن را ... به کسانی عطا کرد که ندای ساعت داوری را سر دادند.» رد کردن آن حقیقت، رد نوشته‌های الن وایت است که روح نبوت است. چهارمین حقیقت و تجربه پیروان میلر، و پیام‌آوران فرشته سوم، نبوت هزار و سیصد و سی و پنج ساله است که از سالی آغاز شد که «روزانه» برداشته شد، یعنی در ۵۰۸.

اگر از سال ۵۰۸ آغاز کنید، هزار و سیصد و سی و پنج سال شما را به ۱۸۴۳ می‌رساند، اما نه صرفاً سال ۱۸۴۳، زیرا این نبوت در حقیقت دقیقاً آخرین روز سال ۱۸۴۳ را مشخص می‌کند و می‌گوید: «خوشا به حال کسی که منتظر بماند و به هزار و سیصد و سی و پنج روز برسد.» واژه عبری ترجمه شده به صورت «naga» «naga» است و به معنای «لمس کردن» یا «دست گذاشتن» است. بنابراین این نبوت بدین معناست: «خوشا به حال کسی که منتظر بماند و» ۱۸۴۳ را لمس کند یا بر آن دست بگذارد.

برکت انتظار در تاریخ پیروان میلر از آن دوشیزگان خردمندی بود که نخستین نومی‌دی را تجربه کردند، اما برای «رؤیایی که تأخیر می‌کرد» منتظر ماندند. چون پیروان میلر در راستای تحقق مثل ده دوشیزه و باب دوم حقوق برای «رؤیایی که تأخیر می‌کرد» انتظار کشیدند، برکت یافتند. در آن دوران تأخیر دریافتند که در حال تحقق آن مثل‌اند و اینکه در پایان، رؤیا «سخن خواهد گفت». دوران تأخیر و نومی‌دی آنان بر تشخیص نادرستی استوار بود که دو هزار و سیصد سال در 1843 به پایان می‌رسد، حال آنکه رؤیا در واقع برای 1844 بود. نومی‌دی آنان بر تجربه‌ای مبتنی بود که پدید آمد وقتی سال 1843 بدون بازگشت مسیح به پایان رسید. نومی‌دی آنان، و برکتی که بر کسانی که پس از آن برگزیدند منتظر بمانند اعلام شد، همگی بر همان واپسین روز سال 1843 استوار بود؛ روزی که به 1844 «می‌رسد» یا «می‌پیوندد».

تجربه نخستین ناامیدی، به منزله تحقق مثل ده باکره، در کسانی که بلطشاصر نماینده‌شان است فهمیده و تکرار می‌شود. پنجمین حقیقت و تجربه‌ای که کسانی که بلطشاصر نماینده‌شان است آن را خواهند شناخت، این است که در «آخر ایام»، دانیال «در قرعه خود خواهد ایستاد».

«دانیال از زمانی که مهر برداشته شد و نور حقیقت بر رؤیاهای او تابیدن گرفت، در قرعه خویش ایستاده است. او در قرعه خود ایستاده و آن شهادتی را حمل می‌کند که می‌بایست در پایان ایام فهمیده شود.» موعظه‌ها و سخنرانی‌ها، جلد ۱، ۲۲۵، ۲۲۶.

میلریت‌ها فرایند تطهیری را تجربه کردند که به واسطه افزایش معرفتی که از کتاب دانیال، پس از گشوده شدن مهر آن در سال ۱۷۹۸، به دست آمد، تحقق یافت. کسانی که بلطشاصر نماینده‌شان است نیز فرایند تطهیری را تجربه خواهند کرد که به واسطه افزایش معرفتی که از کتاب دانیال، پس از

گشوده شدن مهر آن در سال ۱۹۸۹، به دست آمد، تحقق خواهد یافت. آنها همچنین درک خواهند کرد که کتاب دانیال در مهر کردن یکصد و چهل و چهار هزار، هدفی ویژه دارد.

وقتی خدا به کسی کاری ویژه برای انجام دادن می‌دهد، او باید همان‌گونه که دانیال ایستاد، در جایگاه خود بایستد، آماده برای پاسخ دادن به دعوت خدا، آماده برای به انجام رساندن مقصود او. انتشار دست‌نوشته‌ها، جلد ۶، ۱۰۸.

به عنوان لاودیکیان سابق، کسانی که بلطشاصر نماینده آنان است در خواهند یافت که احیای نهایی از طریق کتاب‌های دانیال و مکاشفه، که در حقیقت یک کتاب واحدند، تحقق می‌یابد.

"هنگامی که کتاب‌های دانیال و مکاشفه بهتر فهمیده شوند، ایمانداران تجربه‌ای دینی کاملاً متفاوت خواهند داشت... از مطالعه مکاشفه بی‌گمان این نکته فهمیده خواهد شد که پیوند میان خدا و قوم او نزدیک و استوار است." ایمانی که با آن زندگی می‌کنم، 345.

به‌عنوان لاودیکیان سابق، آنان وضعیت لاودیکی خود را دریافته خواهند بود و دریافته خواهند بود که از نظر روحانی به اندازه دره‌ای از استخوان‌های خشک، مرده بودند، و در پاسخ به شهادت صریح درباره وضعیت مرده و گمشده‌شان، نیاز به زنده شدن را نخستین اولویت خود خواهند شناخت.

احیای دینداری راستین در میان ما، بزرگ‌ترین و فوری‌ترین همه نیازهای ماست. طلب این باید نخستین کار ما باشد. پیام‌های برگزیده، کتاب ۱، ۱۲۱.

وعدۀ کتاب مقدس این است که هر که بطلید، خواهد یافت، و آنگاه روح‌القدس ایشان را هدایت خواهد کرد تا دریابند که این کتاب‌های دانیال و مکاشفه است که احیای ضروری را پدید می‌آورد.

"وقتی ما به‌عنوان یک قوم درک کنیم که این کتاب برای ما چه معنایی دارد، در میان ما احیای عظیمی دیده خواهد شد." شهادت‌ها برای کشیشان، ۱۱۳.

پایان آخرین رؤیای دانیال، چنان‌که در فصل دوازدهم نمایان شده است، تجربه‌ای را مشخص می‌کند که قوم عهد روزهای آخر خدا را پدید می‌آورد، همان‌گونه که در آیه نخست آخرین رؤیا با Belteshazzar نمایانده شده است. آنجا دانیال، که به‌صورت Belteshazzar نمایانده شده است، هم رؤیای درونی دو هزار و سیصد سال را و هم رؤیای بیرونی دو هزار و پانصد و بیست سال را درمی‌یابد. او «آن امر» و «رؤیا» را می‌فهمد. او رؤیای chazon و رؤیای mareh را می‌فهمد. او لگدمال شدن مقدس‌گاه و لشکر، و بازگردانی مقدس‌گاه و لشکر را می‌فهمد. او هر دو رؤیای مربوط به رود Uai و رود Hiddekel را می‌فهمد.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

به مطالعه‌ای بسیار دقیق‌تر از کلام خدا نیاز است؛ به‌ویژه دانیال و مکاشفه باید چنان مورد توجه قرار گیرند که هرگز پیش از این در تاریخ کار ما نبوده است. شاید در برخی زمینه‌ها درباره قدرت روم و نظام پاپی کمتر سخن بگوییم؛ اما باید توجه را به آنچه انبیا و رسولان به الهام روح‌القدس خدا نوشته‌اند جلب کنیم. روح‌القدس امور را، هم در عطاء نبوت و هم در رویدادهای به تصویر کشیده‌شده، چنان سامان داده است که بیاموزاند عامل انسانی باید از نظرها پنهان بماند، در مسیح مستور گردد، و این‌که خداوند آسمان و شریعت او باید بزرگ داشته شوند. کتاب دانیال را بخوانید. تاریخ پادشاهی‌هایی را که در آن نمایانده شده‌اند، نقطه‌به‌نقطه مرور کنید. به دولتمردان، شوراها، سپاه‌های نیرومند بنگرید و ببینید چگونه خدا عمل کرد تا غرور انسان را فروبنداند و شکوه انسانی را به خاک بنشانند...

نوری که دانیال از جانب خدا دریافت کرد، به ویژه برای این روزهای آخر عطا شده بود. رؤیاهایی که او در کرانه‌های اولای و حدقل، رودهای بزرگ شنعار، دید، اکنون در حال تحقیق‌اند و همه رویدادهای پیشگویی‌شده به زودی تحقق خواهند یافت.

شرایط قوم یهود را در نظر بگیرید، هنگامی که نبوت‌های دانیال داده شدند.

بیاید وقت بیشتری به مطالعه کتاب مقدس اختصاص دهیم. ما کلام را آن‌گونه که باید درک نمی‌کنیم. کتاب مکاشفه با دستوری خطاب به ما آغاز می‌شود که تعالیمی را که در خود دارد درک کنیم. «خوشا به حال کسی که می‌خواند، و آنان که سخنان این نبوت را می‌شنوند»، خدا اعلام می‌کند، «و آنچه در آن نوشته شده است را حفظ می‌کنند؛ زیرا زمان نزدیک است.» وقتی ما به عنوان یک قوم بفهمیم این کتاب برای ما چه معنایی دارد، در میان ما بیداری روحانی بزرگی دیده خواهد شد. با وجود دستوری که برای جست‌وجو و مطالعه آن به ما داده شده است، ما درس‌هایی را که می‌آموزد به طور کامل درک نمی‌کنیم.

در گذشته، آموزگاران کتاب دانیال و مکاشفه را کتاب‌هایی مهر و موم‌شده اعلام کرده‌اند، و مردم از آن‌ها روی گردانده‌اند. آن پرده‌ای که ظاهر اسرارآمیزش بسیاری را از برداشت‌ش بازداشته بود، دست خود خدا آن را از این بخش‌های کلامش کنار زده است. خود نام «مکاشفه» با این ادعا که کتابی مهر و موم‌شده است، در تضاد است. «مکاشفه» یعنی اینکه چیزی مهم آشکار می‌شود. حقایق این کتاب خطاب به کسانی است که در این روزهای آخر زندگی می‌کنند. ما، در حالی که پرده کنار رفته است، در حریم مقدس امور قدسی ایستاده‌ایم. نباید بیرون بایستیم. باید وارد شویم، نه با افکار بی‌دقت و بی‌حرمت، نه با گام‌های شتاب‌زده، بلکه با احترام و ترس الهی. ما به زمانی نزدیک می‌شویم که نبوت‌های کتاب مکاشفه تحقق خواهند یافت....

ما فرمان‌های خدا و شهادت عیسی مسیح را داریم که روح نبوت است. گوهرهای گران‌بهایی در کلام خدا یافت می‌شوند. کسانی که این کلام را می‌جویند باید ذهن خود را صاف و روشن نگه دارند. هرگز نباید در خوردن یا نوشیدن به اشتباهی منحرف تن بدهند.

اگر چنین کنند، مغزشان دچار سردرگمی خواهد شد؛ آنها نخواهند توانست فشار ژرفکای برای پی بردن به معنای آن چیزهایی را که به صحنه‌های پایانی تاریخ این زمین مربوط هستند تحمل کنند.

وقتی کتاب‌های دانیال و مکاشفه بهتر فهمیده شوند، ایمانداران تجربه دینی کاملاً متفاوتی خواهند داشت. چنان جلوه‌هایی از درهای گشوده آسمان بر آنان آشکار خواهند شد که آن منش که همگان باید در خود پرورش دهند بر دل و ذهنشان نقش بندد تا به آن سعادت که پاداش پاک‌دلان است دست یابند.

خداوند به همه کسانی که با فروتنی و تواضع می‌کوشند آنچه در کتاب مکاشفه آشکار شده است را بفهمند، برکت خواهد داد. این کتاب چنان سرشار از حقایقی آکنده از جاودانگی و پر از جلال است که هر کس آن را با جدیت بخواند و در آن جست‌وجو کند، از برکتی که برای کسانی است «که کلمات این نبوت را می‌شنوند و آنچه در آن نوشته شده است نگاه می‌دارند»، بهره‌مند می‌شود.

بی‌تردید از مطالعه مکاشفه یک نکته درک خواهد شد—این‌که پیوند میان خدا و قوم او نزدیک و استوار است.

ارتباط شگفت‌انگیزی میان عالم آسمان و این جهان دیده می‌شود. آنچه بر دانیال مکشوف شد، بعدها با مکاشفه‌ای که در جزیره پطمس به یوحنا داده شد تکمیل گردید. این دو کتاب باید با دقت مطالعه شوند. دانیال دو بار پرسید: تا پایان زمان چقدر مانده است؟

و شنیدم، اما نفهمیدم؛ آنگاه گفتم: ای سرورم، پایان این امور چه خواهد بود؟ و گفت: راه خود را برو، ای دانیال، زیرا این سخنان بسته و مهر شده است تا زمان پایان. بسیاری پاک خواهند شد و سفید خواهند گشت و آزموده خواهند شد؛ اما شریران شرارت خواهند ورزید، و هیچ‌یک از شریران نخواهند فهمید؛ لیکن خردمندان خواهند فهمید. و از زمانی که قربانی روزانه برداشته شود و پلیدی ویرانگر برپا گردد، هزار و دویست و نود روز خواهد بود. خوشا به حال کسی که انتظار کشد و به هزار و سیصد و سی و پنج روز برسد. اما تو راه خود را تا فرارسیدن پایان برو، زیرا خواهی آرمید، و در پایان روزها در قرعه خود بر جای خواهی ایستاد.

این شیر قبیله یهودا بود که مهر کتاب را گشود و مکاشفه آنچه باید در این ایام آخر واقع شود را به یوحنا داد.

دانیال در نصیب خود ایستاد تا شهادتی را که تا زمان آخر مهر شده بود، ادا کند، زمانی که پیام فرشته نخستین باید به جهان ما اعلام شود. این امور در این روزهای آخر اهمیتی بی‌نهایت دارند؛ اما در حالی که «بسیاری پاکیزه شده، سفید گردانیده و آزموده خواهند شد»، «شروران شرارت خواهند کرد، و هیچ‌یک از شروران نخواهند فهمید.» چقدر این درست است! گناه، تعدی از شریعت خداست؛ و آنان که نور مربوط به شریعت خدا را نمی‌پذیرند، اعلام پیام‌های فرشته اول، دوم و سوم را درک نخواهند کرد. کتاب دانیال در مکاشفه یوحنا مهرش گشوده می‌شود و ما را تا آخرین صحنه‌های تاریخ این زمین پیش می‌برد.

«آیا برادران ما به یاد خواهند داشت که ما در میان خطرات روزهای آخر به سر می‌بریم؟ مکاشفه را در ارتباط با دانیال بخوانید. این مطالب را تعلیم دهید.» شهادت‌ها برای خادمان، ۱۱۲-۱۱۵.